واکاوی فرهنگ و نقش آن در سیاست‌گذاری های برنامه‌ریزی‌های آموزش زبان (مطالعه موردی: آموزش زبان عربی در ایران)

چکیده:

زبان به عنوان برترین بیداری فرهنگی و تمدنی، یکی از مهارت‌هایی است که ما از سن کاری و اجتماع گویی‌های خود کسب می‌کنیم. افزون بر این، زبان به عنوان مهم‌ترین عامل انتقال فرهنگ و میراث گذشته، نقش تبعیض کندنی در تبیین و آماده‌سازی افکار و اعتقادات افراد جامعه دارد که این عامل یکی از مؤلفه‌های اصلی تشکیل هریث، شخصیت و فرهنگ جوامع محسوب می‌شود. با نگاهی به روابط درهم تبیید ایران و اعراب در ابتدای مختلف فرهنگی، دینی، سیاسی، سوق‌الجنسی و... می‌توان به‌értیه به داد و ستد زبانی و از طرفی آن تأثیر و تأثیر فرهنگی و تمدنی در طول تاریخ بی‌پردازی که یکی از به‌روزی و تکیه‌گیری در سطح زبان و فرهنگی نمود می‌پایند. نکته حاکم اهمیت دربرگیری یک زبان خارجی است که با نگاهی به رویکرد فرهنگی جوامع به زبان‌های بیگانه درمی‌پاییم که این رویکرد مبتکر مبتنی بر فرهنگی به معنای عادم کمک است.

سیاست‌گذاری‌های کلان آموزش زبان عربی در ایران نیز خواسته و ناکوشته مبتکر از همین رویکرد و نگرش فرهنگی بیان‌شده که در اسپارسی از مواقع، این نگرش به سبب جامعه‌ای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی باعث اهداف و راه‌های کلان این روش در پیش‌بینی است. در شرایط حاضر، سعی بر آن است که پی‌رسی از تحلیل و روابط زبانی فرهنگی خوب و دوست‌داشتنی ایران و جهان عرب در گسترش‌های تاریخ، عمل و استفاده اصول و اصول فرهنگی زبانی عربی را با دو منظور فرهنگی و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های زبانی بازگری کمی و از این راه‌ها، برنامه‌ها و اقداماتی بنا کنید و برای سطح آموزش زبان عربی به معنای کاربردی آن در دو سطح عمومی و تخصصی ارائه تجمیع.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری‌های زبانی، برنامه‌ریزی زبان، فرهنگ زبان‌های زبانی، آموزش زبان عربی در ایران.

* E-mail: azarshab@ut.ac.ir
** E-mail: homayooni84@ut.ac.ir
(نوبنده مسئول)
1. مقدمه

زبان به‌واسطه نقش مهمی که در زندگی اجتماعی انسان دارد، از سبزواری از تحولات و
دگرگونی‌های اجتماع گویشوران خود و هم‌بسا به‌نام اجتماعی بروز زبانی دیگر تأثیر
می‌پذیرد و به‌نوبه دگرگویی می‌شود. کیفیت و کیفیت دگرگویی‌های زبانی به کیفیت و
کیفیت تحولات غیرزبانی مشابه دارد، اما با آن‌ها صورتی نیست. در واقع، تحولات اجتماعی
فرهنگی به مراتبی زودتر از تحولات زبانی اتفاق می‌افتد و به‌خوبی در زبان نمود
می‌آید. در حقیقت، زبان ظرف فرهنگهای اجتماعی گویشوران خود است. از این رو، تعلیم و
تعلیم هر زبانی فارغ از فرهنگ آن جامعه زبانی غیرمکمل می‌نماید. بنابراین، به‌زیادت تمایل
گم فرهنگ نمایش‌های اجتماعی در هر نوع دگرگویی نظام سیاسی و یا هر نوع توسعه نظام
آموزشی از طریق زبان و فرهنگ امکان‌پذیر است.

واقعیت‌هایی ارتباطی وجود دارد که رابطه درهم تنیده زبان و فرهنگ را تایید می‌نماید;
به عنوان نمونه، تعامل یک فارسی زبان با گویشوران زبان عربی تنها می‌تواند از فراگیری عنصر
و مهارت‌های زبانی نیست، بلکه به همان اندازه وی نیازمند شناخت فرهنگ و آداب و رسوم
عرب‌زبانان است. چرا که وی به هنگام ارتباط با اهل زبان در یک موقعیت ارتباطی نیازمند
به کارگاهی ساختارهای زبانی است که نظام زبانی نمی‌تواند صحت و سفسط آنها را تایید
کند، بلکه این ارگش‌های فرهنگی است که می‌تواند آن ساختار با ساختارهای زبانی را تایید
یا رد نماید.

بنابراین، بدون توجه به ابعاد مختلف بافت متنی، گفتگوی زبان، فرآیند آموزش/یادگیری
هر زبان خارجی بیان فرود آمدن چتریز و سطح مناسب است که از تاریخ، فرهنگ و تمدن
آن‌ها شناختی ندارد و در نتیجه، در یک انزوای زبانی از انجاد هر گونه ارتباط با آن‌ها
سرگردان و سرخوردگی خواهد شد. فرآیند زبان در محیط با کیفیت‌کلاس نیز چنین می‌نماید;
محیطی که با زندگی و واقعیت جامعه زبانی گویشوران فرستادها فاصله دارد و
واکاوی فرهنگ و نقش آن در سیاست گذاری‌ها.../ محمدرضا آذرشیر و سعیدالله همایونی

اصطلاحات، واژگان، قواعد و یا حتی دیالوگ‌ها در باقی زندگی به زبان آموز ارائه می‌شوند.

از این رو، از کمترین انگیزه گفتمانی برخوردار نیستند.

با نگاهی به فرهنگ آموزش مکالمه زبان و نیز کتاب‌های هویتی نگاهشته در این زمینه

درباره یاد می‌کند از سایر کتاب‌های فوق و نیز می‌تواند به موضوعات روانشناسی آموزش

زبان، عناصر شناختی و فراشناختی از قبیل انگیزه، هیجان، هوا و... غافل‌می‌آید و تنها به

ارائه متنی برای درک مطلوب و گفتگو برای تعلیم مقطعی و ناقص بسند کرده‌اند.

نخستین سوال در این زمینه آن است که علت اصلی ناکار آموزش زبان عربی به

معنا یکی از آن کادم است. دوم آنکه هنالیس زبانی چه چالش فرهنگی، اجتماعی و فرازبانی مانع

بست و علاقه‌مندی به کار گیری زبان عربی در چه دوره است؟ سوم، مهم ترین راهکارهای

درک زبانی آموزش زبان عربی در ایران متأثر از چه عوامل برون‌بنیانی است؟

در پاسخ به برخی‌ها فوق می‌توان فرضیه‌های زیر را مطرح نمود. نخستین اینکه هر نوع

ارتباط به زبان عربی و تعامل با گویشوران آن زبان نیازمند شناخت سطوح مختلف فرازبانی

از قبیل فرهنگی، اجتماعی و سایر پیش‌انگاره‌هایی است که گفتمان در آن اتفاق می‌افتد، اما

زبان آموز ایرانی قبل از درک بخشی شناختی، تنها به فراغکردک خارجی‌های زبان عربی مشغول

می‌شود. دوم، مشکلات فرهنگی معصره بین برخی از کشورهای عربی و ایران و تقابل های

سیاسی از یک سو و امقایل‌گاه زبان عربی به عهان بک زبان علمی به سطح جهانی از

مهم ترین مواد بست آموزش و علاقه‌مندی به کاربرد این زبان در دوره معاصیر است. سوم،

سیاست‌گذاری‌های کلان زبانی که خود مشترک از سیاست‌های کلان پک کشور است،

برنامه‌ریزی‌های درون‌زبانی را جهت می‌دهد.

در این راستا، نگارش گان نوشته حاضر بر آنند تا بچا روش توصیفی-تحللی، (Descriptive-Analytic)

در سیاست‌گذاری‌های کلان و فرازبانی و نیز تأثیر این

سیاست‌گذاری‌ها برای ارائه برنامه‌ریزی‌هایی منسجم و علمی درون‌زبانی مداخله کنند تا تحلیل

و واکاوی آن‌ها، زمینه‌ساز آموزش/ تعلیم کاربردی و مبتنی بر بافت زبان باشد.
۲. پیشینه پژوهش

در زمینه فرهنگ و برنامه‌ریزی زبانی، پژوهش‌های مختلفی انجام شده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به برنامه‌ریزی زبان، فرهنگ زبانی و مولفه‌های آن اشاره نگار داوری اردوکاتی (۱۳۸۸) اشاره کرد که موضوع مذکور را در باب زبان فارسی در شهر تهران بررسی کرده‌است. همچنین، نظریه باباراده در مقاله‌ای با عنوان زبان، فرهنگ اصطلاحات و ارتباط آنها با آموزش زبان‌های خارجی و نیز نصیرالدین ارسی جوهر در مقاله‌ای با عنوان «تعلیم الفبای دیده و ناگهان: نگاهی به برنامه‌ریزی زبان و مسائل زبان‌آموختگان ایرانی» آموزش زبان خارجی را به عنوان وسیله تعليم موضوعات درسی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی عمده به مداومه غذاشته‌است. همچنین، به صورت پراکنده بحثی به تروین فرضیه‌های منطقی فرهنگ در یادگیری زبانی خارجی در کتب و مقالات متعدد افراد توجه به فقره این است، اما تاکنون مقاله آن کتاب که شاخص‌های عنوان مقاله حاضر را از قبیل فرضیه در سباستگذاری‌های کلان و برنامه‌ریزی‌های درون‌سازنده را به صورت منسجم بررسی کرده باشد، نوشته‌ نشده است.

۳. فرهنگ و زبان

زبان نظامی از نشانه‌های مورد که وجود، نظامی صاحب ارزش فرهنگی تلقی می‌شود. کاربرد زبان خود و دیگران را از طریق کاربرد زبان می‌شناسند و زبان خود را نمازه‌های اجتماعی خوشب می‌دانند. اگر فرهنگ‌های نزدیک به کاربرد زبان باشد، اگر مداخلات با گروه اجتماعی فرهنگی‌ها در سباستگذاری‌های درون‌سازنده‌های کلان و برنامه‌ریزی‌های درون‌سازنده را به صورت منسجم بررسی کرده باشد، نوشته‌ نشده است.

زبان و فرهنگ، ارتباط تکانگی با یکدیگر دارد. زبان برای انتقال مفاهیم به کار می‌رود، اما این مفاهیم تنها به کمک درک درست پیش اگردازهای فرهنگ‌های اجتماعی جامعه، معنا و مفهوم می‌پانند. فرهنگ، پخش مکملی از تأثیر متقابل زبان و تفکر است.
واکیار فرهنگ و نقش آن در سیاست‌گذاری‌ها.../ حمیدعلی آذرشیر و سعدالله همایونی

...
می‌دهد که بیان‌های آن دوره، فارسی باستان و فارسی مبنا می‌گویند. نیم دیگر تاریخ ایران، دوره اسلامی است و بیان آن دوره، فارسی نیا یا فارسی گفته می‌شود. در دوره باستانی، حکومت‌های ایرانی تبدیل یکی در شرق عالی دین، علم، هنر، معماری و روش حکومتی به وجود آورده و ایرانی‌ها به‌درمان دین اسلام در پی ریزی علوم اسلامی، اعضاً از دینی و غیردینی، صمیمانه کوشیدند. بخشی از میراث علمی و فرهنگی آنان در قرن‌های نخستین دوره اسلامی از زبانهای آن‌ها به‌عنوان کتاب‌ها و اسناد نگارش‌هایی با همراهی اسلامی، کتاب‌های علماً سایر کشورهای مسلمان، تمدن عالی اسلام در ایران گذاشته‌اند. اثری دانشمندان ایرانی، به‌عنوان ایسی، رازی، خواه‌گنگی نصر و خوارزمی که اغلب به بیان‌های عربی می‌نوشتند، قرناً در مراکز علمی مغرب‌می‌شد.

با وجود اینکه اسرارهای ایران بارها مورد هجوم و استیلای یک‌گان قرار گرفت، اما آثار کهن و عرق ملی فارسی زبان این مرز و بوم اصفهان از آن شد که زبان فارسی به عنوان نام‌زنیوت ایرانی از میان برود. این گیش‌بیش، باستانی‌شناستی لغت‌هایی در پی Ginny تاریخ ایران مشابه‌سوزی باهی از آن‌ها و هزاره‌ها، جنون کوی استاده است، اهمان) و به‌باور ریچارد فرای، محقق آمریکایی، ایران مانند سرو است که از طرفان خم می‌شود اما نمی‌شکند (هیمان).

سقوط حکومت ساسانی و فتح ایران به دست مسلمانان عیب‌کردن‌می‌گه و اندریخت ایرانی تاثیر گذاشته و چرک ایرانی‌ها که آنها پیش از نزول قرآن از فرهنگ و تمدنی غنی بروخوردار بودند، آگاهانه و از سر اشتباق بر اندیشه‌ها و ایفای دین اسلام گرفته‌اند. نکته شایان ذکر آنکه این انسان با دین غربی به ایران راه بافند و تمدن عناصر فرهنگی این در زبان غربی، به‌وجود آن قرآن کریم می‌شود، در حقيقة، با نزول قرآن کریم، زبان غربی به زبان تمدن انسانی بدل شد و پس از ورود انسان به ایران، زبان فارسی با قرآن و واژگان مربوط به اسلام همچون زبان از سازه، جمع‌اله، مبارک، مبارکه، تمدان و صدا، واژه و اصطلاح دیگر عجین گشته، در حالی که زبان فارسی بخش از سازه به این واژگانی پیگانه بود. سپس این مفاهیم به کمک مسلمانان ایرانی و زبان فارسی در کشورهای جنوب و شرق
روایت فرهنگ و نهض آن در سیاست گذاری‌های... محمدعلی آذرشب و سعید الله همایونی

آسیا، شمال آفریقا و آسیای مرکزی گسترش یافت. در نتیجه، زبان فارسی نیز به پرتگال می‌رسد.

با قرار این کریم به زبان دوم تمدن اسلامی تبدیل شد. بدین ترتیب، مردم و دانشمندان ایرانی مشتاقه زبان عربی را فراگرفته و به زبان عربی سخن می‌گفتند و دستور زبان آن را آموختند.

و یا حتی به نگارش کتاب‌های خود به این زبان روی آوردند، به طوری که ن ولدی در این باب می‌گوید: "تأثیر فرهنگ اروپایی در زندگی ایرانیان تنا و پیوسته بروند، در حاضر که فرهنگ، مذهب و شیوه زندگی نازیان اثر زرف و عمیقی در اندیشه و رفتار ایرانیان گذاشت" (آقا، 2005: 13).

رابطه تبادلات شاعران و دانشمندان ایران و عرب در این دوران از وجود همبستگی، برادری و محبت بین دو ملت ایران و عرب خبر می‌دهد، به طوری که بررسی سیر زندگی‌نامه بسیاری از شاعران این برهم از قبیل سعدی و منتبی به شاعری پرآوازه فارسی و عربی از وجود چنین رابطه درهم تنیده و آرمانی خبر می‌دهد و حافظ شیرازی مطلع دیوان خویش را بین این دور زبان تفسیم می‌نماید تا زبان‌تین تصویر از این ارتباط زبانی و فرهنگی را ترسیم.

نیمایی:

آلا یا آبی ایواشکی اد کاسا، تنوله‌ها که عطق آسان نمود اول، ولی افتاد مشکل‌ها،

با نگاهی به کتاب خریدار/قصر و جریده/عصر چه موجود، این گفتن در کتاب پرآوازه در سال 1397 هجری، با داده‌ها نشان از شاعران ایرانی آشنایی می‌شوم که به زبانی عربی می‌جهد و چنانکه عمادی گوید، جلد نخست این کتاب به موضوع ادبیات افغانی و جلد دوم آن درباره دانشمندان خراسان و هرات است و غیر شاعران دیگر سرزمین‌های اهواز و تزییک آن را به این عهد اضافه کردم، به دویست خواه رست (کرک؛ محبی، 1386 م: 9).

وجود تأثیر و تأثیرگذاری فرهنگی و زبانی نیز در زبان فارسی و عربی نشان از قوای تمدنی و هویتی مردمان این دو ولت دارد و تأکیدی بر ارتباط تبادلات در زبان‌زبان از عربی و فارسی در طول دوران و با حتم بعدها از عصر فتوحات تا به امروز است. لازم به ذکر است که نقش علمای ایرانی در گردیده و تدوین زبان عربی از گذشته تا به امروز بر هیچ‌کس پوشیده نیست. دانشمندانی که خیلی زود در زبان عربی سلطش شدهان و مباحث زبان عربی را
غنا و رونقی ورژه به هشتادن، امثال سیویته که یا نگارش نخستین کتاب مدور در زبان عربی با عنوان/الکتاب در سه حوزه صرف، آواشانسی و نحو، تا به امور البتاتدار این شاخه از زبان محصور میشود. عبدالقاهر جرجانی نیز با نگارش دلائل الاعجاز، نخستین سنگ بنای علم بلاغت را در زبان عربی باهی متی کرد که بیشتر می‌توان گفت تا امروز نظری برای وی در این حوزه وجود ندارد. اما سوال مهم و اساسی در این زمینه که پاسخگویی بدان دشوار می‌نماید، این است که چه عواملی سبب شده با تغییر مثبت جامعه ایرانی به زبان عربی در دوران معاصر تنزیل یا چه عواملی باعث شده تا بسیاری از افراد و یا حتی دانشمندان معاصر ایرانی از ابتدا تا این عناصر زبان عربی به طریق باشد؟ چرا رغبت افراد جامعه به فراگیری این زبان کاهش یافته است؟ چرا سیاست گذاری های کلان‌زبانی این‌جنبی ناکامی و ناباوری است؟ چرا برنامه‌ریزی درست و منسجم برای فراگیری زبان عربی به معنای کاربردی آن و تفاهم با عرب زبانان وجود ندارد؟ اگر پیش‌تریم که جامعه ایرانی در دوره معاصر نیز بسیار گشته، فرهنگ فارسی‌آی، اسلامی را با جان و پدیده‌های و در کنار فرهنگ‌های ایرانی خود، در زندگی روزمره خویش با اجرا در می‌آورد، در باعث پرسیده‌های فوق می‌توان گفت فرهنگ و سیاست گذاری‌های حکم جهان عرب، از یک سو با فرهنگ‌ ناب اسلامی فواصل گرفته است و از سوی دیگر خودتاختی فرهنگی و زبانی جامعه عرب و تنزل جایگاه علمی زبان عربی و به عبارتی، رکود علمی در حوزه‌های مختلف از جمله عواملی است که بسبی توجیه ایرانیان به زبان عربی به معنای فراگیر و کاربردی آن است. ناگفته پیداکند که تشکیل سیاسی و مذهبی نیز این مسئله را تشکیل نموده حکم است. به نظر می‌رسد که این مسئله در نهایت به برخی توهین بیان جامعه ایرانی مبدل شد که انبوخه عظمت فرهنگ و میراث خود را در این زبان به وحیدی‌گذاشته است. برایتی با کدامیک راهکار و راهبردی می‌توان عشق ایرانی به زبان عربی را به عنوان زبان مدنی منظم؟

در حقیقت نوشته‌های این‌جا است برای ایجاد رابطه از هم گشایش فرهنگی-زبانی ملت‌های ایران و جهان عرب که بیان‌ها از طریق ارتباط توزیعک فرهنگی و اجتماعی بستر خواهد بود؛ ارتباطی که قبلاً شیعه آن از طریق اجای کاربرد زبان عربی، رابطه مقابل علمی و دانشمندان زبان عربی و فارسی و پیوند مجدد دو متل از طریق زبان امکان‌پذیر است.
از این رو بای توصیف درست، تحلیل و ارزیابی هر برنامه زبانی لازم است از فرهنگ زبانی آن جامعه. در این مقاله، نکات زیر را بررسی نموده‌ایم: 

۵. سیاست‌گذاری زبانی: برنامه‌ریزی زبان. جهت دهی فرهنگ زبانی

زبان، نشانه و رمزی تئیه آن فرهنگ و پیش‌انگاره‌های اجتماعی نیست که تماشای شیوه تفکر و اندیشه‌های زبانی باشد، بلکه بر علیک، زبان با نسایی و روسایی فرهنگ و جایگاه نیازه و شخصیت ناشی از ساپر عناصر فرهنگی-اجتماعی (درمانی و همزمانی) است.

در باب مفهوم فرهنگ زبانی، شیفتان معقد است برای زبان مسیاست آشکار و نهان وجود دارد. اما رابطه این دو نوع سیاست زبان با فرهنگ زبانی را با استفاده از تشیه کوه بیش و دریا تئین می‌کند. سیاست آشکار زبان را قسمت بتونی کوه بیش، سیاست پنهان زبان را قسمت زیرین آن و دریا با قبایلوی را که کوه در آن شناور است، فرهنگ زبانی قلمداد می‌کند. بنابراین فرهنگ زبانی افراد و جوامع را خاستگاه سیاست‌های آشکار و پنهان زبان و در نتیجه، از نظر ماهوی، مشابه می‌داند (رق.‌ک: داوری؛ ۱۳۸۳: ۱-۱۰). زبان عربی نیز بسان سایر زبان‌ها نظاری حاوی نهایی‌تباری فرهنگی است که فراغتهای و به‌کارگیری آن به‌طور کامل بدون شناخت ابتدای فرهنگی امکان‌پذیر نیست؛ جهت که آموزش آن نیاز نمی‌دهد.

چارچوب فرهنگی بشر به‌وهاه بود (رق.‌ک: ادریس جوهر، ۱۳۸۳: ۲۰۹). از این رو، برای ثبت و تحلیل و ارزیابی هر برنامه زبانی لازم است از فرهنگ زبانی آن جامعه آگاهی کامل داشته باشیم. لذا می‌توان گفت برنامه‌ریزی‌های کلان‌زبانی، فرهنگ‌بندی است و توجه به سیاستی و سیاستی لازم در فرآیند برنامه‌ریزی‌های زبانی در حقیقت، نوعی باشی به فرهنگ زبانی است.

نگارگران بر این باورند که قبل از ارائه برنامه‌ریزی‌های جزئی، تصمیم طرح کلی موضوع و سیاست‌گذاری‌های کلانی، آموزش زبان امری ضروری به شمار می‌آید و نه در
چارچوب‌گویی کلاین و علمی است که جزئیات با ارجاع دادن بدان بیان می‌پیمایند. بی‌اعتمادی است که بررسی کلی مفاهیم بدون غور در جزئیات به‌نتایج پاسخ‌گویی جالوش‌ها و میان راه‌کارهای اصولی نیست، اما از دیگری، اگر اشکال‌های پیرامون‌ها به‌منظور چشم‌انداز دسته‌بندی مرتبط نشوند، سطحی و بی‌معنای خواهد بود. لذا ارائه یک برنامه‌ریزی کلاینسازی بی‌اعتمادی‌ترین شک با چشم‌اندازی سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و یا حتی اقتصادی... نشست می‌گیرد که بازمی‌آیی اهداف، راه‌کارها و مطالعات آن جامعه زبانی است. بنابراین، ارائه یک برنامه‌ریزی درست و واقع‌بینانه باید پس از اموزش زبانی خارجی در سطح معناشناختی-کاربردشناختی، مستلزم بود. گذاری‌های کلاین در این زمینه، شرایط حاکم بر جامعه زبان مقدّم و سایر مواردی است که در سطح عادم برنامه‌ریزی به عنوان چشم‌انداز دکتر شد. از سوی دیگر، بین‌یابی و تحلیل جزئیات زبانی در سطوح مختلف عناصر زبان، مهارت‌های زبانی و غور در ادیان آن زبان (شعر، رمان، داستان، نمایشنامه و...) به عنوان آینه‌ای تجربه‌های فرهنگی و اجتماعی گوش‌شواران آن می‌توانند نقض تعیین کننده در بستری‌سازی آموزش‌های گیتیْری یک زبان برای تعامل دوویسه با کاربران آن باشد.
۶. چارچوب پیشنهادی برای ساماندهی، بازطراحی و ارزیابی آموزش زبان عربی در ایران

**سیاست‌گذاری‌های کلی‌زبانی**

- فلسفه آموزش زبان
- رویکرد/ اهداف کلی
- تحلیل دقیق زیرساخت‌ها و بسترها
- تدوین سیاست‌های زبانی

**برنامه‌ریزی‌های زبانی**

- تعیین مسائل و اهداف راهبردی
- تحلیل نحوه فضا و محدودیت آموزشی
- بازنمایی دقیق اهداف راهبردی در سطح زبانی
- تدوین چارچوب اجرایی با ضمانت اجرای اجرا

**اجرای، پیگیری، ارزیابی، بازطراحی و اصلاح راهبردها**

- ارزیابی اجرای سیاست‌گذاری‌های زبانی
- ارزیابی اجرای راهبردهای دوپنج‌زبانی
- ارزیابی بسترها و محیط زبانی
- ارزیابی برنداده‌های زبانی
سیاست‌گذاری‌های کلان‌زبانی

سیاست‌گذاری‌های کلی دست‌اندیش کاران آموزش زبان‌های خارجی در هر کشور که خود متاثر از عوامل و عناصر فرهنگی و اجتماعی آن جامعه است، از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر حوزه آموزش زبان است؛ چراکه آموزش زبان به معنای انتقال فرهنگ و تمدن یک جامعه، تأثیر بسزایی بر روح و روان فراگیران و کاربران آن زبان خواهد داشت. لذا در این حیطه، تبیین دقیق جهان عنصر مالوری ارامه برنامه‌های زبانی، امری ضروری به شمار می‌آید.

به‌شکل‌هایی نوع برنامه‌ریزی زبانی، سنت‌زمین سیاست‌گذاری‌های است و هر سیاست‌زبانی در صورتی قابل اجرا می‌باشد که مبنای برنامه‌ریزی زبانی باشد. فرهنگ‌های جامعه به طور ضروری تعیین کننده نوع سیاست‌هاست و برنامه‌ریزی زبان به این معنی می‌باشد فرهنگ‌های زبانی مرتب می‌شود؛ به عبارت دیگر، برنامه‌های زبانی به دو تعبیر، فرهنگ‌های پیش‌نگار و فرهنگ‌های جامعه‌زبانی در تعیین سمت و سوی آن مؤثر است و نیز تعیین سمت و سوی برنامه‌ریزی زبان بدون توجه به فرهنگ‌های جامعه به طور کلی و فرهنگ‌های زبانی به صورت خاص، به شکست برنامه‌ها منجر خواهد شد.

فلسفه آموزش زبان

تبیین فلسفة آموزش یک زبان خارجی، بعدها اساسی در تبیین سیاست‌های کلی آموزش آن زبان در بین گویشوران آن جامعه به شمار می‌آید که تفكیر و خط مشی سیاست‌گذاران حوزه آموزش زبان را در نظام آموزشی آن کشور نشان می‌دهد. این روش‌های تدریسی در تدوین آموزش آن زبان خارجی را جهت می‌دهد و تحلیل و طراحی زیرساخت‌ها و تدوین سیاست‌گذاری‌های کلی در این حوزه مبتنی بر آن است.

با توجه به تأسیس آموزش زبان‌های تاریخی در ایران (حداقل بعد از انقلاب اسلامی) به‌خصوص روش‌های تفکری و تدریسی آموزش زبان‌های ایران در ایران، بخشی از آن‌که جنبه‌بندی و کاربردی داشته باشند، جنبه درک و فهم متن دینی، احادیث، روایت و... اساس و پایه برنامه‌ریزی‌های
کلی قرار گرفته است. لذا برای نداشتن زبان و همانندی با جامعه عربی و یا حتی غور در مباحث قرآنی نیز در این روزکرد محضی از اعضا ندارد. در این گونه نگاه به آموزش زبان عربی، ادبیات عربی قبیل از زبان عربی در دستور کا روزگار گرفته است و مدرس زبان عربی به جای صحبت کرده و نوشته به زبان عربی، با به کارگیری زبان فارسی از می‌گوید؛ موضوعی که بسیاری تا زبان آموزان این رشته بیش از پیش از محیط زبان عربی فاصله بگیرند و کوچکترین ارتباطی با جامعه زبان عربی نوتنده برقرار سازند. از این رو، بر این باوریم که جویش را یاد بیاورد و حاکم نوازند که مناسب با نیازهای جامعه و جایگاهی باشد که شایسته است زبان و ادبیات عربی در ایران از آن برخودار باشد.

6-۲ روزکردها و اهداف کلی

فلسفه آموزش زبان مشتمل بر روزکردهای منسوخ است که هر یک با توجه به محوریت خود مشاهده شود و راهبردهای مختلفی در سطح ابتدایی و ابزارها و امکانات خاصی می‌طلبد. این روزکرد متأثر نگاه خاص سیاست‌گذاران این حرکت به فرهنگ و زبان فارسی و نیز ابتدالوزی حاکم بر نظام آموزشی است و هدف خود را بر پیش‌روش فکری و انتقال دیدگاه و نگرش مورد نظر در برنامه درسی به زبان آموزان قرار می‌دهد. به نحوی شناخت دقیق فرهنگ خودی و نهادها کردن آن در جامعه و برخوردار مطالعه و مغزی با فرهنگ زبان خارجی می‌تواند زمینه‌ساز تحولی بنیادین در حوزه آموزش زبان‌های خارجی از قبل عربی و انگلیسی در کشورمان باشد؛ به عوامل نموده، چنان که پیشرفت زبان عربی در ایران، فهم متوسط مذهبی باشد. همین‌گونه که امروزه چند نمایندگی این روزکرد استفاده از دستور تاریخی را افتضاح می‌کند و با کمتری امکانات، اهداف این روزکرد، عنی فهم متوسط دیگری از طریق فراگیری دستور و تاریخی بر آورده می‌شورد. لازم به ذکر است که در این روزکردها، ادبیات بر زبان مقدم شده است و جهتا زبان و مهارت‌های زبانی هیچ محقق از اعضا ندارد.
آموزش زبان عربی در ایران در وهلة نخست فراگیری این زبان و به کارگیری آن در سطح برنامه زبانی (نوشتن و صحبت کردن) است که برای رسیدن به این هدف، نیازمند نگرشی جدید هستیم که فهم و درک درستی از واقعیت زبان عربی به همین پیش‌انگاری‌های مذهبی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... از ضرورت می‌خنند و بدون شک ادبیات (شعر، رمان، داستان و...) به عنوان آینه‌ی تمام‌نام فرهنگ و اجتماع گویش زبان یک زبان می‌تواند به عنوان یک منبع جانی‌ی نقدش ارزش‌های در فراگیری و درک صحیح زبان عربی داشته باشند. از این رو، زبان و ادبیات به همین ترتیب، یک عکس آن، پایه بر اساس روش‌های مناسب با شرایط فراگیری زبان عربی در ایران در دستور کار قرار گیرد. بنابراین، به طور کلی، اهداف پذیرافته‌ی زبان عربی را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

- آموزش زبان عربی (برای اهداف عمومی، تخصصی و اجتماعی).
- آموزش ادبیات عربی (به معنای تخصص در بخش‌های مختلف ادبیات، مانند: شعر، رمان، داستان و...).
- آموزش عربی برای اهداف تخصصی (سیاسی، فرهنگی، حقوقی، پزشکی و...).

بدر شک به هنگام پذیرافته‌ی زبان عربی برای اهداف عمومی، تخصصی و اجتماعی می‌تواند مطالعات ادبیات یا نیاز نیست، اما این بدان معناست که باید از پذیرافته‌ی زبان، نوتعیش شدن در ادبیات یک ملت سبب می‌شود که نهایاً درون‌نشینی اتفاق بیفتد و در نهایت، فرد از فراگیری زبان به معنا یک‌باردی و اغلب، یا یک‌باره، ظاهراً گرفته‌ست. از این‌رو، زبان را دانستم و، لیکن کلمات لازم را برای سفارش دادن گذاشته‌اند آن‌ها را دانست، و نو‌یسته‌ای معروف فرانسوی از دانش وزارت ادبی زبان انجامید در سطح سیاسی و سیاسی برخوردار بود که ترجمه‌های عالی از اثرات شکیب و گرایش موثر این گفته‌است. بنابراین، این نظرات
دوستش، زولیان گرین، آندره زید تووانست منظر خود را در لندن به راهندازی اتوپوسی بیان کند و بگوید کجا می‌خواهد بیاده شود (فرانسیس، ۱۳۷۰: ۳۴).

۳-۱-۶ تحلیل دقیق زیرساخت‌ها و بسترها

پس از تیپ درست فلسفه آموزش زبان، رویکردها و اهداف آموزش نیازمند ایزره‌ها مادی و معنوی برای پایه کردن این تصمیم گیری‌های کلان فنیم. لذا لازم است در سطح کشور، امکانات و ایزره‌های لازم در انتخاب нетولیان امر قرار گیرد تا توواند این سیاست گذاری‌ها را در عمل پایه نمایند. از مهم ترین مسئله که در این حوزه نمود پیدا می‌کند، امکاناتی از قبیل کلاس مناسب، ایزره‌الات سمعی و بصری و نیز فراهم نمودن محیطی مجازی برای یادگیری آن زبان خارجی است که زبان آموز تووان تا حدود زیادی در محیطی شیب به محیط کاربران آن زبان قرار گیرد.

نگاهی پیداست که در این راستا تیپ درست نقش مدرس (توواندند و مسلط به زبان و روش‌های یادگیری آموزش زبان و نیز روش‌های تدریس و روانشناسی آموزش)، زبان آموز، روش به کار رفته برای آموزش زبان و محیطی یادگیری (در دو نوع فیزیکی و معنوی) از نقش پرچم‌دار است.

۴-۱-۶ تدوین سیاست‌های زبانی

پس از تیپ درست فلسفه آموزش زبان، رویکردها، اهداف کلی و تحلیل دقیق زیرساخت‌ها و بسترها آموزش زبان علی لازم بر اساس شرایط و نیازهای جامعه، سیاست‌های کلان زبانی به عنوان راهبرد و دستورالعمل‌های اجرایی تدوین می‌گردد. بنابراین می‌توانیم تحلیل صورت گرفته از اهداف، نیازهای سایر امور مذکور، علمی و مطالب با واقعیت زبانی، فرهنگی جامعه باشند، راه‌هایها و راهبردهای تدوین شدن از ضمان اجرایی معقول و منطقی برخوردار خواهد بود و در سطح برنامه‌ریزی‌های زبانی یا چالش‌های بسیار کمتری مواجه خواهد بود. از این رو، اگرچه بر اساس سیاست‌گذاری‌های کلان
زبانی، زبان عربی و فرهنگ اسلامی - ایرانی‌ها به عنوان یک فرهنگ منحصر به فرد جامعه ایرانی، یکجا به عنوان بنیانی‌های عظیم برای زبان و فرهنگ عربی در نظر گرفته شود، تدوین سیاست‌ها و به‌طور گسترده‌تر، برنامه‌ریزی‌های زبانی کاربردی، بسیار برنامه‌ریزی برای فناوری زبان فارسی می‌باشد. شدید به دور از هر گونه دفعه می‌توان فناوری این زبان را در همه سطح آن بسط و گسترش داد.

برنامه‌ریزی زبانی

یک ترددی زبان در تشکیل ساختن تفکر آمیزی نفس پرچسب‌های دارد، به طوری که می‌توان گفت جهانی‌تبار نسل به وسیله پرواز زبانی او تعیین می‌شود. از این رو، برنامه‌ریزی برای زبان و جهت دهی به پژوهش‌های زبانی می‌تواند سبب تکامل و رشد این جهانی‌تبار شود و نتایج فرهنگی و تمدنی یکی از نظری را برای یک جامعه رقم بزنند. زبان، ارتباط زبانی و دادوستند فرهنگی و تمدنی از مهم‌ترین مساله‌ای است که بشر در دوره‌های مختلف با آن مواجه و بدن ناپاکی است. (الا جامعه‌ی که دغدغه‌های زبانی دارد و ضمن حفظ هویت و میراث فرهنگی و تمدنی خوش، برای آشناپی و شناخت فرهنگ و زبان جامعه دیگر نیازی می‌کند، در واقع در راستای رشد و ازکوفیات فرهنگی و تعالی تمدنی دارد.)

نکته شایان ذکر در برنامه‌ریزی زبانی این است که در فرآیند بادگیری زبان، اطلاعات نحوی، معنایی، منظورشناسی و گفتگویی باید با پیش‌انگارهای فرهنگی، تمدنی زبان می‌آید. پیوند بخورده و به زبان آموزش عرضه گردد. از این رو، بر این باوریم که به منظور ارائه برنامه‌ای منسجم و متشکل برای آموزش زبان عربی در ایران به معنایی کاربردی آن نیازمند

برنامه‌ریزی زبانی در سه سطح زیر هستیم.

الف) برنامه‌ریزی توسعه زبان: در این نوع از برنامه‌ریزی چنین فرهنگی و اجتماعی مرتب با وضعیت زبان و میزان ضرورت به کارگیری آن و پذیرش آن به عنوان یک زبان رسمی‌یا به کارگیری آن در جوی انسانی خاص تأکید می‌شود.
ب) برنامه‌ریزی اکتساب زبان: این نوع از برنامه‌ریزی به مساله‌بازگیری زبان (اول یا دوم) و نیز صبایت و محافظت از آن مربوط می‌شود. این نوع برنامه‌ریزی می‌تواند برای متخصصان حوزه‌های زبان‌شناسی، زبان، علم تربیتی و روان‌شناسی به شمار می‌آید.

ج) برنامه‌ریزی ساختار زبان: این نوع از برنامه‌ریزی به ابعاد درونی زبان مربوط می‌شود و به مسائل صرفأ زبان مربوط می‌شود؛ از قبیل قواعد، اسلوب‌ها، واژگان، اصطلاحات، معجم‌ها، ابتدای، واج‌گیری زبانی از جمله به رسمیت شناختن واژگان دخیل و... از آنجا که این نوع برنامه‌ریزی به ابعاد زبانی و تخصصی مربوط می‌شود، علمی‌های زبان‌شناسی می‌توانند در این باب نقش بسزایی ایفا کنند (رکن‌الدین؛ البردی، ۱۳۹۲، ص. ۱۴۷).

۱-۲-۶) تعیین مسئله و اهداف راهبردی

همان‌گونه که گذشته، پس از تدوین سیاست‌گذاری‌های کلان زبانی، نیازمند ارائه برنامه‌ریزی‌های در سطح درون‌زبانی هستیم که به نوعی ارائه و اجرای آنها مربوط به چنین سیاست‌گذاری‌ها می‌باشد. برنامه‌ریزی‌های سطح کلان‌زبانی برای ایجاد توده‌های علمی بنیادی و تدوین شدن است. این مسئله که در این سطح (تعیین اهداف راهبردی) ضروری می‌باشد، این است که اهداف و راه حل‌های ارائه‌شده، بهبود پیشانی‌های علمی، منطقی و منطقه‌ای، دستیابی به نهادهای اول و خارجی داشته باشد. اهدافی که بر اساس نیازهای جامعه سامان‌دهی شده‌است و تمام شرایط سیاسی به اهداف طراحی‌شده، چه در سطح سیاست‌گذاری‌های زبانی و چه در سطح برنامه‌ریزی‌های زبانی را سنجیده باشد.
شكل 1. آموزش زبان عربی برای اهداف عمومی، تخصصی و اجتماعی

1- Arabic for General Purposes
2- Arabic for Specific Purposes
3- Arabic for Social Purposes
4- Arabic for Occupational/ Vocational/ Professional Purposes
5- Arabic for Academic Purposes
6- Arabic for Specific Academic Purposes
7- Arabic for General Academic Purposes
1- آموزش عربی برای اهداف عمومی (AGP): این روبیکر شامل هم‌مرتیب‌های عمومی است که برای ارتباط با کاربران زبان عربی بین‌لیانه رهگیری و سال‌های (در کد طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۱).

شاین ذکر است بایستی که برای تمرین زبان استفاده می‌شود، بايد از منابع اصلی فرهنگی برگرفته شده باشد، از چیزی مثل طراحی، آمادن اسناد مدارسی، فرم‌های پذیرش هتل، زندگی‌نامه، برنامه‌های قطر و هواپیما، فهرست‌های غذاي رستوران نامه‌هاي شخصي، امиде و...

۲- آموزش عربی برای اهداف تخصصی (ASP): این روبیکر خود به دو بخش دانشگاهی و حرفه‌ای تقسیم می‌شود که در بخش دانشگاهی با توجه به اهداف تعیین‌شده از سوی مدرس، از جهت ساختار و محیط‌گذاری گفتن‌ها برای روبیکر مورد نظر برنامه‌ریزی می‌شود:

الف) عربی برای اهداف تخصصی دانشگاهی (ASAP)

در این روبیکر، فرد برای هدف خاصی زبان عربی را فرامی گیرد؛ مانند زبانی که درصد است تا در رشته شیمی در یکی از دانشگاه‌های موجود در کشورهای عربی زبان تحصیل کند.

ب) عربی برای اهداف عمومی دانشگاهی (AGAP)

در این روبیکر، در حقيقة، اهداف و موقت‌های مختلف دانشگاهی مانند نظر مدرس و زبان‌آموز است، این اهداف نقش انگیزگذاری بسیار لازم‌تری برای یادگیری دیگر اهداف عمومی می‌تواند باشد و در واقع، زمینه‌را برای افرادی که وارد اهداف تخصصی یا همچنین می‌آورند (همان).
12-6 تحلیل تفصیلی فضا و محیط آموزشی

یکی از مسائل مهم در فرآیند آموزشی یادگیری یک زبان خارجی، ایجاد زمینه‌ها و
بسترهاي آموزشي است که در آن، سایر عناصر آموزش با هم گروه می‌خورند. این محیط
نفس بسیار مهمی در اجرای برنامه‌ریزی‌های زبانی دارد و هر میزان که محیط متغیر از
کاربرد پیشنهاد برخوردار باشد، زمینه موازعی را در سایر سطوح برنامه‌ریزی مشاهده
خواهیم کرد.

یکی از عناصر اصلی فرآیند آموزشی منبع آموزشی است که خطوط منتشر بر روی کرد و
روش مناسب با فلسفه آموزش زبان است. بدون شک در تهیه تدوین کتاب‌های آموزش
مکاتباتی زبان عربی، محور مهم باشد. موجب فرآیند گیرد:

1-محور ارتباط (به معنای توانمندی در کاربرد مناسب زبان با موقعیت‌های گفتگوی).
2-محور فرهنگ و اجتماع معاصر گویش و زبان عرب.
3-محور میزان تمدیدی عربی-ایرانی.

از جمله مهم‌ترین محیط‌هایی که در دوره معادل به‌خشنده‌ی پایداری از فرآیند
آموزشی یادگیری زبان مبتنی شده، محیط مجازی است. از دهه 1960 میلادی، ابزارهای
متنوع با عنوان «رسانه‌های آموزشی» به عرضه آموزش زبان وارد شده‌اند. تسهیل در فرآیند
یادگیری و ایجاد محیط مناسب برای ارائه و درک بهتر محتمله و به تعبر دیگره، انتقال
دشان با کیفیتی برتر، غالباً هدف کلی از کاربرد رسانه‌ها در آموزش تعریف می‌گردد.

(درک؛ حفاظی، 1390: 125).

چنانچه محیط‌های یادگیری زبان را خوانده، جامعه، دانشگاه و محیط مجازی پدیده،
روش است که طی فرآیند آموزش زبان خارجی (عربی) به دو محیط خوانده و جامعه زبانی
dسترسی نداریم. از این رو، یادگیری به محیط دیگر، به عنی کلاس‌های درس دانشگاه و
محیط‌های مجازی را به‌گونه‌ی فعال نموده تا فرآیند یادگیری زبان تا حدود زیادی ممکن شود.
6-3 بازنمایی دقیق اهداف راهبردی در سطح زبانی

در این مرحله، برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته در سطح زبانی پایه شده است و به صورت شفاف اهداف راهبردی در چارچوب برنامه‌های زبانی در سطوح مختلف (مدرس، زبان آموز و...) مشخص می‌شود و به پرسش‌هایی از قبیل زیر پاسخ عملی داده می‌شود:

- اهداف اولیه و ثانویه آموزش زبان عربی در ایران کدام است؟
- چه عناصر و مهارت‌هایی باید در اولویت آموزش قرار گیرد و بهترین شیوه براز آموزش آنها کدام است؟
- کدام‌یک‌یک روش‌ها می‌تواند برای رسیدن به این اهداف مناسب باشد؟
- چه منبع آموزشی و چه ویژگی‌هایی باید طریقی بیان شود تا اهداف آموزشی به بهترین نحو ممکن اجرا شود؟
- چرا پیاده‌گیری مهارت‌های زبانی از چه امکانات و سیست‌ها و به چه صورت باید استفاده کرد؟
- یک‌د... نگارش‌گان بر این باورند که برای پیاده‌گیری زبان عربی، ابتدا باید اهداف مربوط به پیاده‌گیری خود زبان (رک؛ شکل 1)، در اولویت قرار گیرد؛ اهدافی که لازمه آن تسلط بر عناصر و مهارت‌های زبانی است.
با توجه به دو شکل فوق می‌توان دریافت که هدف از ارائهٔ بخشی از عناصر زبانی و مهارت‌های زبانی کسب دانش و به‌عبارتی، درون‌دادن زبان است و هدف از بخش دیگر، توانایی برای برقراری ارتباط زبانی و برون‌دادن مناسب و منطقی زبان می‌باشد. از این رو، یادگیری زبان و به کارگیری آن و نه صرف آشنا شدن با دانش زبانی باید مهم ترین هدف غایب برنامه‌ریزی‌های آموزش زبان عربی در ایران باشد. البته برای رسیدن به چنین هدفی لازم است که زبان آموز ایرانی فرصت لازم بپدای کند:

- با منابع اصلی عربی، مثل روزنامه، مجلات، کتاب، برنامه‌های تلویزیونی کشورهای عربی زبان تعامل برقرار کند.
۱۱۱

و اکثری فرهنگ و نقص آن در سیاست گذاری‌ها.../ محمدعلی آذربیش و سعدالله همبایوی

۶-۲۴۵) تدوین چارچوب اجرایی با ضمانت اجرا

در این سطح، راهبردها و راهکارهای مربوط به برنامه‌ریزی‌های زبانی در بخش‌های مختلف تدوین گردید و به نشان داده می‌رود. در این مطلب این‌طور برنامه‌ریزی‌های بخش‌های مناسب از نیروی انسانی توانمند در تخصص‌های مختلف همراه با زبان عربی است که هر چدچی، عناصر زبانی و مهارت‌های زبانی را برای بشر به کار بگیرند. مدرسی یا بانوان که با روش‌های تدریس آشنا هستند و طی آموزش زبانی عربی، با تلاش در زبان‌ها و همچنین عمیق، روانشناختی و زبان‌شناختی زبان را با آموزش زبان تلفیق می‌کنند، کلاس‌های بپردازد و کارآمد ارائه می‌نمایند. لذا برای این‌گونه برنامه‌ها، اجرایی خوب، ابتدا باید موضوع زبان عربی و چالش‌هایی که به این دنیا هستیم، به‌خوبی پژوهش شناخت چنین چالش‌هایی را در برنامه‌ریزی برای راه‌برد و هدف‌های مورد نظر، یاری می‌رساند؛ برنامه‌ریزی که خود، به‌صورت مستقیم و شما را توصیه‌ها و اخلاق‌های متعدد را برای راه‌برد و هدف‌های مورد نظر به‌صورت متعارف و منطقی تطبیق می‌کند و در پایان، این ارژینی ترجمه و برنواده سیاست‌گذاری یا برنامه‌ریزی‌های زبانی است که به می‌گوید تا چه میزان در رضایت به اهداف خود موفق عمل کرده‌ایم.
7. نتیجه گیری

پناه بر آنچه در اثبات مقاله گذشته، می‌توان نتیجه گرفت که برای فراگیری زبان عربی و به‌تبع آن، ایجاد تعلیمی‌سازندگی با جهان عرب، نه تنها شناخت فوارپرداز زبان و لایه‌های درون‌زبانی نیست، و نه تنها شی را می‌سری کند و در هر نوع ارتباط به زبان عربی و تعامل زبان‌های، گویش‌های آن زبان، بیان‌ند شناخت سطوح مختلف فرازبانی است که شامل سطوح فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و سایر لایه‌ها و پیش انتخابهای است که گسترش در آن اتفاق می‌افتد؛ سطوحی که نظام زبانی نیست، و نه درآمده و نه آن‌ها، را تأیید کنن، بلکه این
واکاوی فرهنگ و نفیس آن در سیاست گذاری‌های... / محمدعلی آذرشب و سعید الله همایونی

ارزش‌های فرهنگی است که می‌تواند آن ساختار با ساختاری زبانی را بر اساس موقعیت
سخن تأیید یا رد نماید. در این راستا، نگارنده گران برای رسیدن به چنین شناختی از زبان
عربی، بر نزدیکی به دو مسئله بنیادی تأکید نموده: نخست، تینی همبستگی و مقول
سیاست گذاری‌های کلاسیکی و فرهنگی و دوم، برنامه‌ریزی همبستگی و علیه دروزی‌های
که زمینه‌ساز آموزش/تعليم کاربردی و مبتلا به سبک زبان گردید، نتیجه یافته‌ان این است که
سیاست گذاری‌های کلی دست‌اندر کاران آموزش زبان‌های خارجی در هر گونه‌ی که
خود متأثر از عوامل و عناصر فرهنگی و اجتماعی آن جامعه است - مه‌ترین مؤلفه‌های
تأثیرگذار بر حوزه آموزش زبان است. این سیاست گذاری‌های برنامه‌ریزیای درون‌زمینی را
به‌شدت تحت تأثیر خود می‌دهد، به طوری که هر نوع برنامه‌ریزی زبانی در سطح خرد
به چنان سیاست گذاری‌های کلاسیکی گره خوردیده است و در واقع، این سیاست گذاری‌های
کلان است که برنامه‌ریزی‌های زبانی را جهت می‌دهد. در پایان، لایه‌های مختلف
سیاست‌گذاری‌های کلان‌زبانی، برنامه‌ریزی‌های زبانی و چگگونگی فرانسه‌ای از زبانی،
بازتراشی و اصلاح راهبردها و بررسی شدن و لایه‌هایی که در صورت اجرای و پیاده‌شدن
می‌تواند به‌شکلی در سیاست کنترل و کنترل کارآفرین آموزش زبان‌های وحید آورده و زمینه‌ها
برای درک فرهنگ و اجتماع گویش‌های زبان عربی و به تبع آن، تعامل و هم‌اندیده‌ای آن‌ها
را فراهم نماید.

پیش‌نشت‌ها:

۱. مقاله بر حسب از طرح یا دکتری بنیاد ملی نخیگان است.

۲. تأثیرات به دلایل و اسباب معنی، روش فارسی زبان‌های فرهنگی زبان عربی و کاهش یافته
است که ریشه این جانش‌های در علی و اسباب زیر یا یا جستجو کرده: انفجار، جامعه عربی،
سیاسی و اجتماعی (جنبش تحمیل، تفاوت بین اندیشه و راهبردی حکومت ایران با
حکومت‌های عربی منطقه، اختلافات مذهبی، اختلافات سیاسی، احیاء نقص‌های فراموشی (چه ایرانی‌ها
و چه عرب‌ها)، چه با جامعه درون زبانی (مشکلات مربوط به فن ارزی آموزش/پردازش زبان
عربی)
منابع

آزادی کتابی، شعبان. (۱۳۷۶). املحاظاتی در پاب زبان با نگاهی به آموزش زبان فارسی به خارج‌بان. تهران: نهایه پارسی. ۷ صص ۱۳۷۶.

ادریس جوهر، نصرالدین. (۱۳۹۴م). تعلیم و پرورش زبان و ادبیات فارسی: آیین‌های تعلیمی. تهران: آگاهی‌سازی و تربیت علمی.

آخوری، رضا. (۱۳۹۵م). آموزش زبان و ادبیات فارسی: آیین‌های تعلیمی. تهران: آگاهی‌سازی و تربیت علمی.

آرمی، امیر. (۱۳۹۵م). آموزش زبان و ادبیات فارسی: آیین‌های تعلیمی. تهران: آگاهی‌سازی و تربیت علمی.

آرمی، امیر. (۱۳۹۵م). آموزش زبان و ادبیات فارسی: آیین‌های تعلیمی. تهران: آگاهی‌سازی و تربیت علمی.

آرمی، امیر. (۱۳۹۵م). آموزش زبان و ادبیات فارسی: آیین‌های تعلیمی. تهران: آگاهی‌سازی و تربیت علمی.

آزمایشگاه، اقلیدی. (۱۳۹۳م). آموزش زبان و ادبیات فارسی: آیین‌های تعلیمی. تهران: آگاهی‌سازی و تربیت علمی.

آزمایشگاه، اقلیدی. (۱۳۹۳م). آموزش زبان و ادبیات فارسی: آیین‌های تعلیمی. تهران: آگاهی‌سازی و تربیت علمی.

آزمایشگاه، اقلیدی. (۱۳۹۳م). آموزش زبان و ادبیات فارسی: آیین‌های تعلیمی. تهران: آگاهی‌سازی و تربیت علمی.

آزمایشگاه، اقلیدی. (۱۳۹۳م). آموزش زبان و ادبیات فارسی: آیین‌های تعلیمی. تهران: آگاهی‌سازی و تربیت علمی.

آزمایشگاه، اقلیدی. (۱۳۹۳م). آموزش زبان و ادبیات فارسی: آیین‌های تعلیمی. تهران: آگاهی‌سازی و تربیت علمی.

آزمایشگاه، اقلیدی. (۱۳۹۳م). آموزش زبان و ادبیات فارسی: آیین‌های تعلیمی. تهران: آگاهی‌سازی و تربیت علمی.
طهماسبی، عدنان و دیگران. (1393). آموزش اهداف عمومی و دانشگاهی با تکیه بر سیلواس مفهومی کاربردی و روش کارمحوره. جستارهای زبان. ش. 5. صص 21-181. 


محمودی، زین العابدین. (1393م). مشاهیر ایران ناطقین بلغه زبان. ج 1 و 2. تهران: نشر رخسار.

یارمحمدی، لطف‌الله. (1393). زبان در عرصه‌های دهن و جامه. تهران: انتشارات هرمس.

